



MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

مقایسه نظام نیمه ریاستی و ریاستی در ایران و آمریکا با تأکید بر اصل تفکیک قوا

قدرت الله فقهانی^۱، غلامحسین مسعود^۲، مسعود راعی^۳، مسعود اخوان فرد^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
۳. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
۴. استادیار، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران - دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تمام نظام‌های سیاسی و حقوقی تابعی از یک ساختار سیاسی واحد می‌باشند. در کشور ایران ساختار نظام به شکل نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی می‌باشد و در کشور آمریکا نیز به شکل ریاستی اداره می‌شود. هدف این تحقیق پاسخ به این سوال اساسی است که آیا وحدت مقام رهبری و مقام اجرایی بهتر است یا تعدد آن؟ یعنی در آمریکا وحدت این دو (رهبری، اجرایی) شکل گرفته، این یگانگی (قوه مجریه انفرادی) بهتر است یا دوگانگی (دو ارگانی قوه اجرائیه) که در ایران حاکم است.

مواد و روش‌ها: این مقاله توصیفی - تحلیلی، و با بهره‌گیری از روش اسنادی و استفاده از ابزار فیش‌برداری تهیه و تدوین گردیده است.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از این است که؛ نظام حاکم در ایران نظام حاکم نیمه ریاستی نیمه پارلمانی می‌باشد نظام نیمه ریاستی نوعی نظام حکومتی است که ویژگی‌های نظام ریاستی و نظام پارلمانی در آن تلفیق شده‌اند. و در نظام حقوقی آمریکا (قانون اساسی) آمریکا کشوری است فدرالی که یک حکومت ملی و حکومت‌های محلی پنجاه‌گانه دارد قوه مجریه فدرالی که از نوع ریاستی است.

ملاحظات اخلاقی: از ابتدا تا انتهای مقاله با پایبندی به اصول صداقت و امانت‌داری تهیه و تدوین گردیده است.

نتیجه‌گیری: در این مدل نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی که در ایران حاکم است، مثل نظام‌های ریاستی ریاست کشور بر عهده رئیس‌جمهوری است که در انتخابات عمومی به قدرت رسیده و مظهر حاکمیت ملی محسوب می‌شود و از مسئولیت سیاسی در برابر پارلمان مبرا است، اما بر خلاف نظام‌های ریاستی و به شیوه نظام‌های پارلمانی هیئت وزیران با دریافت رأی اعتماد از نمایندگان مجلس رسمیت پیدا می‌کند و در جریان فعالیت‌های خود در برابر پارلمان مسئولیت سیاسی دارند و پارلمان قادر است با رأی عدم اعتماد هیئت دولت را از قدرت ساقط کند.

در مدل ریاستی که نمونه آن در ساختار سیاسی آمریکا حاکم است، در مدل ریاستی معمولاً تک نهادی است و همه اقتدارات اجرایی و عوامل قوه مجریه در اختیار رئیس‌جمهور است، رئیس‌جمهور بالاترین مقام رسمی کشور است و از اختیارات تام برخوردار است.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

واژگان کلیدی:

نظام ریاستی

نظام نیمه ریاستی

نیمه پارلمانی

ایران

آمریکا

* نویسنده مسؤؤل:

غلامحسین مسعود

آدرس پستی: ایران، نجف آباد،

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجفی آباد،

گروه حقوق.

کد پستی: ۴۳۱۳۱-۸۵۱۴۱

تلفن: ۴۲۲۹۲۹۲۹-۳۱

پست الکترونیک:

gh.masoud@iaun.ac.ir

۱. مقدمه

این تحقیق در نظر دارد اثبات کند که کدام یک از قوه‌های اجرایی بالا که در حال حاضر با توجه به نظام حقوقی حاکم بر کشورهای ایران و آمریکا قدرت سیاسی را در دست دارند، برای مردم و کشورشان مفیدتر و مطلوب‌تر هستند. قوه مجریه کدام کشور کارآمدتر و مطلوب‌تر است؟ می‌خواهیم بدانیم کدام قوه مجریه در جهان معاصر پاسخگوتر است. تحقیقات انجام شده ابعاد مختلفی از قوه مجریه یگانه و دوگانه را بیان نموده‌اند ولی به نظر می‌رسد با توجه به تحولات جهانی و تغییرات پیش‌بینی نشده بشری و بالا رفتن سطح مطالبات مردم قوای مجریه‌ی که تاکنون کشورها را اداره می‌کردند کارایی و اقتدار لازم را جهت پاسخگویی به مطالبات نسل امروزی را ندارند و می‌بایست همزمان با تحولات موجود میزان اختیارات قوای اجرایی هم افزایش یابد. با این اوصاف می‌خواهیم برآوردی داشته باشیم که با توجه به نظام حقوقی این دو کشور؛ در آینده قوای مجریه یگانه و دوگانه در آمریکا و ایران می‌بایست میزان اختیارات خویش را افزایش دهند یا به همین میزان اختیارات فعلی کافیت.

هدف این تحقیق پاسخ به این سؤال اساسی است که آیا وحدت مقام رهبری و مقام اجرایی بهتر است یا تعدد آن؟ یعنی در آمریکا وحدت این دو (رهبری، اجرایی) شکل گرفته، این یگانگی (قوه مجریه انفرادی) بهتر است یا دوگانگی (دو ارگانی قوه اجرائیه) که در ایران حاکم است. میزان رضایتمندی مردم از کدام سیستم اجرایی بیشتر است، کارآمدی کدام سیستم مناسب‌تر است. مشکلات و اختلافات احتمالی جامعه و نظام حاکم در کدام نظام حقوقی قابل حل و راه‌حل مناسب‌تری دارد.

۲. ملاحظات اخلاقی

در نگارش این مقاله به اصول اخلاقی و حرفه‌ای پایبند بوده‌ایم و از ابتدا تا انتهای مقاله با پایبندی به اصول صداقت و امانت‌داری این مقاله تهیه و تدوین گردیده است.

۳. مواد و روش‌ها

این مقاله توصیفی - تحلیلی، و با بهره‌گیری از روش اسنادی و استفاده از ابزار فیش‌برداری تهیه و تدوین گردیده است. در واقع زمانی که کتابی را بعنوان مرجع مطالعه شده است از قسمت‌های لازم فیش تهیه گردیده است و به این روش اقدام به نگارش و تدوین مقاله نموده‌ایم.

۴. یافته‌ها

با مطالعاتی که در این زمینه صورت پذیرفت مشخص گردید که نظام حقوقی ایران نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی می‌باشد و در نظام حقوقی آمریکا به شکل ریاستی می‌باشد. و در خصوص تفکیک قوا در نظام ایران و دیگر نظام‌های پیرو نظام نیمه‌ریاستی هرچند به صورت شکلی تفکیک قوا رعایت گردیده است ما در مواردی پیش می‌آید که در ماهیت این امر محقق نمی‌گردد.

۵. بحث**۵-۱. پیشینه تحقیق**

۱- حسینی نیک، (۱۳۸۶)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آمده: «قوه مجریه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرائی احکام و مقررات اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه دارد و همچنین ضرورتی که این مسئله حیاتی در زمینه‌سازی وصول به هدف نهایی حیات خواهد داشت بایستی راهگشای ایجاد جامعه اسلامی باشد.»

۲- بوشهری، (۱۳۸۵)، حقوق اساسی حکومت، می‌خوانیم که: «عالی‌ترین اقتدارات قوه مجریه حکومت فدرال ممکن است به یک تن یا یک گروهی واگذار شود. اولی را قوه مجریه انفرادی و دومی را قوه مجریه دست جمعی گوئیم.»

۳- آل مدکس، (۱۳۸۵)، قوانین اساسی کشورهای جهان، آمده که: «جز در چند مورد استثنائی، کلیه قوانین اساسی قوه اجرائی دولت ملی، یعنی قدرت اجرائی و اعمال قوانین و سیاست‌ها را در اختیار پادشاه یا رئیس جمهور یا موقعیتی مشابه پادشاه در کنار نخست‌وزیر و کابینه و یا در اختیار رئیس جمهور و کابینه‌اش قرار می‌دهد.»

۵-۲. نوآوری تحقیق با عنایت به تحقیقات مشابه

با عنایت به پیشینه‌ای که ذکر گردید با توجه به اینکه در تحقیقات انجام گرفته صرفاً به ارائه کلیاتی از تفکیک قوا، یا نظام ریاستی و یا نیمه‌ریاستی پرداخته شده و تحقیقی که بصورت جامع و مانع، نظام نیمه‌ریاستی و ریاستی را در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا مورد مطالعه قرار دهد یافت نکردید بنابراین این تحقیق از نوآوری در خصوص مقایسه این دو نظام حقوقی می‌باشد.

۵-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

تصریح کاربرد نظام یگانه (قوه مجریه انفرادی) در آمریکا وجود قوه مجریه دوگانه در ایران، با این اهمیت که مزایا و رفاه و خدمات کدام قوه مجریه برای اتباع خویش بیشتر و بهتر است و تابعان کدام سیستم از قوه مجریه خود راضی‌تر و خرسندتر هستند. ضرورت تبیین و توضیح یگانگی ریاست در آمریکا و خدماتی که از ناحیه این یگانگی نصیب منافع ملی، اقتدار ملی می‌گردد و یا دوگانگی قوه مجریه در ایران که چه مزایا و محاسن و معایبی ممکن است برای نظام سیاسی داشته باشد. این پژوهش نکات مبهم و سوالات اساسی را برای محققین و پژوهشگران در خصوص هر دو قوه مجریه را توضیح می‌دهد. نوع قوه مجریه موجود در کشورهای ایران و آمریکا را بررسی و نمونه بهتر و مطلوب‌تر را به کنش‌گران سیاسی معرفی می‌کند. معایب و محاسن قوه مجریه ریاستی و قوه مجریه نیمه‌ریاستی نیمه‌پارلمانی در آمریکا و ایران را تحقیق و قضاوت می‌کند. تفاوت‌های قوه مجریه تک‌ارگانی و دو‌ارگانی را برشمرده و قوه اجرایی و مزایا و کاربرد هر دو سیستم را برای پژوهشگران بیان می‌کند.

۵-۴. محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌هایی که ما در این تحقیق با آن روبه‌رو بودیم این بود که جهت نگارش مقاله به منابع دسته اول دسترسی نداشتیم و به ناچار برای نگارش این مقاله اقدام به خرید کتبی نمودیم که می‌توانستیم به آنها در کتابخانه‌ها دسترسی داشته باشیم ضمن اینکه قسمتی از این منابع با عنایت به اینکه نظام

حقوقی آمریکا را نیز مورد مطالعه قرار داده بودیم کمیاب و نایاب بودند.

۵-۵. مقایسه نظام حقوقی ایران و آمریکا با تاکید بر**تفکیک قوا**

در مقایسه بین دو نظام حقوقی در ایران و آمریکا با عنایت به حاکمیت دو نظام مختلف (ریاستی و نیمه‌ریاستی) در دو کشور تفاوت‌هایی از لحاظ ساختاری و ماهوی با هم دارند. در ایران، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نظام تفکیک قوا را (در اصل ۵۷) تحت نظارت ولایت فقیه پذیرفته است که این نظارت خود منبعث از اصل پنجم به عنوان یکی از اصول بنیادین است، بنابراین جهت تأمین استقلال قوا، نوعی از نظام نیمه‌ریاستی شکل گرفته است؛ چرا که از طرفی طبق اصول ۸۷ تا ۸۹ وزرای دولت نیازمند رأی اعتماد مجلس و در مقابل آن پاسخگو می‌باشند و از طرف دیگر طبق اصل ۱۱۴ رئیس قوه مجریه با آرای عمومی انتخاب می‌شود و اصل ۱۱۳ رئیس جمهور را بعد از رهبری بالاترین مقام رسمی کشور می‌داند.

در نظام حقوقی آمریکا (قانون اساسی) آمریکا کشوری است فدرالی که یک حکومت ملی و حکومت‌های محلی پنجاه‌گانه دارد قوه مجریه فدرالی که از نوع ریاستی است. جمهوری ریاستی معمولاً تک‌نهادی است و همه اقتدارات اجرایی و عوامل قوه مجریه در اختیار رئیس جمهور است، رئیس جمهور بالاترین مقام رسمی کشور است و از اختیارات تام برخوردار است. معاون رئیس جمهور مقام دوم اجرایی محسوب می‌شود و پست نخست‌وزیری وجود ندارد، رئیس جمهور مستقیماً توسط مردم از طریق آرا عمومی انتخاب می‌شود و وزراء و نمایندگان او کارگزاران وی هستند (بند اول اصل دوم قانون اساسی) برابر بند سوم قانون اساسی آمریکا رئیس جمهور جز در صورت خیانت مسئول نیست، فرمانده کل قوا است عزل و نصب وزراء بدون دخالت‌کنگره در اختیار اوست. (بند دوم، اصل دوم) ساختار تک‌نهادی قوه مجریه برخاسته از اصل تفکیک قواست که بدنه اجرایی را از دسترس مستقیم پارلمان دور می‌دارد. خصوصیات اصل تفکیک قوا (ریاستی) عبارتند از: ۱- وظایف دستگاه‌های کارگزار تخصصی است ۲-

هر قوه نوعاً تمامی وظایف خود را به تنهایی انجام می‌دهد ۳-
اندام‌های دستگاه‌های عامل قوا کاملاً از یکدیگر مستقل
هستند و هیچ کدام منبعث از دیگری نبوده و تبعیت نمی‌کنند
(۱).

قوه مجریه انفرادی (یگانه) حوزه‌ی انتخابی سراسر کشور
است. احتمال برخورد آن با قوه قانون‌گذاری که از حوزه‌های
دیگر برگزیده شده‌اند زیاد است. اگر بیان گروه‌های پارلمانی
وابسته به احزاب سیاسی اختلاف بروز کند، قوه مجریه یگانه
که نماینده جامعه و مظهر تجزیه‌ناپذیری در وحدت ملی است
در موضوعی مهم‌تر از حوزه‌ی دوگانه در حل و فصل این گونه
اختلافات قرار خواهد داشت. در نظام یگانه چون رئیس
حکومت (رئیس جمهور) همان نماینده ایالات و مردم آنها
است و در امور تشریفاتی و مراسم سنتی و در روابط بین‌المللی
شرکت می‌کند این وظیفه (احساس یگانگی) در ایجاد وحدت
میان ایالات مؤثر است. از طرف دیگر وظایف دیگری رئیس
جمهور دارد که بر تشخیص و صلاح‌اندیشی خود به مورد اجرا
می‌گذارد. جهت دفاع از قانون اساسی در آمریکا، به علت
مشکلات عملی در انتصاب «دو تن» برای اداره امور یک
سازمان اجرایی و به دلیل اینکه وظایف سیاسی مورد مرافعه و
اختلاف نبوده و جنبه‌ی سنتی و تشریفاتی دارد در این کشور
چندان نیست که تأسیس مقامی دیگر را ایجاد کند و یک تن
را برای تصدی هر دو مقام کافی دیده‌اند (۲).

در هیچ یک از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران،
اصطلاح تفکیک قوا بکار نرفته است فقط در اصل ۵۷ از تعبیر
«استقلال قوا» استفاده شده است. آیا مقصود از استقلال قوا
همان تفکیک قواست؟ (۱). با دقت در اصول قانون اساسی
ایران، جای شک باقی نمی‌ماند که در این قانون تفکیک مطلق
قوا پذیرفته نشده است. یعنی چنین نیست وظایف تقنین
تماماً بر عهده قوه مقننه و یا همه وظایف اجرایی بر عهده
مجریه می‌باشد. بلکه پاره‌ای از وظایف تقنینی بر عهده
نهادهای دیگر گذاشته شده یا برخی از وظایف اجرایی بر عهده
قوه مقننه گذاشته شده است (۱). تفکیک نسبی قوا با توجه به
اصول متعدد قانون اساسی در ایران پذیرفته شده است. عناصر
مهم تفکیک نسبی قوا عبارتند از: ۱- برقراری تمایز بین

وظایف و دسته‌بندی آنها ۲- بر خلاف رژیم ریاستی
دستگاه‌های متمایز جنبه تخصصی کامل ندارد ۳- اندام‌های
هر قوه دارای وسایل و ابزارهای تأثیر بر یکدیگرند ۴- پارلمان
پاسخگوی مردم و هیات دولت پاسخگوی کارکرد خود در برابر
پارلمان است (۱). با توجه به موارد بالا نتیجه‌گیری می‌گردد
که قوه مجریه در ایران از نوع دوگانگی است. اگر قوه مجریه
را در سطح حاکمیت مورد نظر قرار دهیم شامل نهاد ریاست
جمهوری، هیات وزیران، ارکان اجرایی سراسر مملکت می‌شود
از جمله استانداران، فرمانداران، بخشداران و... و حتی مجریان
ساده را هم شامل می‌شود، یعنی دو عاملی که بر حسب قوانین
جاری کشور در سلسله مراتب اداری، سیاسی و اجرائی دولت
واقع شده در حوزه قوه مجریه است. اگر مقام رهبری را از قوه
مجریه تفکیک نکنیم (اصل ۱۱۰ ق.ا.ج.ا.) و آن را بدلیل بخش
مهمی از اجرائیات در رأس قوه مجریه بشناسیم پر واضح است
که دوگانگی مجریه حاکم است. مشخصات دوگانگی مجریه در
ایران یکی رهبری و دیگری رئیس جمهور است که مقام رهبری
در رأس همه امور و شئون و تشکیلات و عنوان (ولایت امر و
امامت امت) را دارد. رهبر بر اساس اصول ۱۱۲، ۱۱۰، ۵۷
وظایفی را بر عهده دارد که غالباً امور اجرایی کشور را در
برمی‌گیرد و به همین دلیل در اصل ۱۱۳ قانون اساسی تصریح
شده که «پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی‌ترین مقام
رسمی کشور است و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که به
رهبری مربوط است بر عهده دارد. و رئیس جمهور در ایران
دارای حد متوسط اختیارات است. به دلیل وابستگی هیات
وزیران به مجلس و پاسخگویی هیات وزیران در برخی موارد به
قوه قضائیه و لزوم تنفیذ حکم رئیس جمهور از سوی مقام
رهبری» (۳).

قوه مجریه در ایران از منظر وابستگی و عدم وابستگی دو
وجهی است زیرا رئیس دولت غیروابسته ولی هیات وزیران
وابسته می‌باشد قوه مجریه بالاترین قدرت اداری و اجرایی
کشور می‌باشد، رئیس جمهور می‌تواند نمایندگان ویژه‌ای را
خود با هماهنگی هیات دولت انتخاب که نیاز به موافقت
رهبری و مجلس ندارد. کلیت دولت و قوه مجریه دوگانه به
نوعی در ردیف دولت‌های وابسته و پارلمانی قرار می‌گیرند. و

می‌توان استدلال کرد که نظام جمهوری اسلامی با نظام پارلمانی تفاوت دارد؛ چرا که در نظام پارلمانی، قوای مقننه و مجریه، هر دو اختیار انحلال یکدیگر را دارند، در حالی که در نظام جمهوری اسلامی، این شرط حاکم نیست. همچنین نظام پارلمانی، نظامی است که رئیس قوه مجریه‌اش به شکل مستقیم از پارلمان بیرون می‌آید اما در نظام نیمه‌پارلمانی ایران تا پیش از اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، رئیس جمهوری با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود (۶).

از سوی دیگر، نظام جمهوری اسلامی ایران را نمی‌توان ریاستی محض به حساب آورد. در این باره، عدم اعطای حق وتوی تعلیقی به رئیس جمهوری خود مؤید این نکته است که تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران به سبک نظام‌های ریاستی نیست. در این نظام رئیس جمهوری در برابر پارلمان صد در صد مسئول است. پارلمان صلاحیت سوال از رئیس جمهوری یا استیضاح او را دارد موضوعی که در نظام‌های ریاستی وجود ندارد. بنابراین، در بررسی نظام سیاسی جمهوری اسلامی می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه این نظام را نمی‌توان ریاستی یا پارلمانی محض دانست، عناصر مهمی از هر دو رژیم را در آن می‌توان یافت (۷).

۵-۷. نظریه‌های مربوط به تفکیک قوا در نظام‌های

ریاستی و نیمه‌ریاستی

۵-۷-۱. نظریه اصالت فرد

در این دیدگاه فرد است که حقیقت اولی و موجودیت اساسی را تشکیل می‌دهد. محور حیات اجتماعی نیز فرد است، انسان برای تشکیل جامعه سیاسی از طریق قرارداد عمل نموده، اما صرف حیات اجتماعی، تأمین‌کننده نیازها و اهداف نبوده است، بلکه ضمانت اجرایی دیگری نیز ضروری بود، که موجب قرارداد دوم، برای تشکیل دولت و حکومت شد. بنابراین حکومت برای تأمین اهداف خاص به ویژه تضمین حقوق فردی پدید آمده است، به عبارت دیگر کارکرد حکومت، خدمت به منافع و مصالح یکایک شهروندان و ارتقای آزادی‌شان است (۷).

«وظایف زمامداران عبارت است از: حفظ علایق اجتماعی که برای نمو و تکامل هر انسان لازم است» (۸).

رئیس‌جمهور دارای شخصیت حقوقی و عالی‌ترین مقام رسمی دولت است. در مجریه دوگانه عالی‌ترین مقام مجریه در ایران که رهبر می‌باشد به طور غیرمستقیم توسط مجلس خبرگان انتخاب ولی رئیس‌جمهور به طور مستقیم از سوی مردم برگزیده می‌شود. همچنین هیات وزیران با پیشنهاد رئیس‌جمهور و تأیید مجلس انتخاب می‌شوند (۴). از نتیجه‌گیری در مورد بحث بالا چنین استنباط می‌گردد که دخالت رهبر در ایران در قوه مجریه به شکل نهادی است یعنی با مجمع تشخیص مصلحت مشورت کرده که تأثیر وسیع و همه‌جانبه در امور مختلف کشور دارد و به همین دلیل رهبر در جمهوری اسلامی ایران مظهر قوه مؤسس و قوه تعدیل‌کننده است. یعنی نخستین و پایه‌ای‌ترین مظهر بروز حاکمیت در جامعه که به عنوان قوه نهادساز و پایه‌آفرین قبل از شکل‌گیری ارکان مربوط به قوای سه‌گانه، موجب ولادت قانون اساسی و سپس نهادهای قانون‌گذار و اجرایی و قضایی می‌شود. و قوه تعدیل‌کننده که نهادی بی‌طرف است فوق سایر قوا است. حال رهبری نه تنها در نظام حقوقی ایران (دو ارگانی) عامل مزاحمی نیست بلکه از بروز اختلاف احتمالی قوا و هرگونه بحران اجتماعی و سیاسی و اقتصادی با اختیارات وسیعی که دارد را حل و فصل می‌کند به نظر می‌رسد چنین سیستمی با توجه به نوع جامعه ایرانی و بافت دینی و مذهبی و فرهنگی موجود مناسب و گره‌گشاست. هرچند نظام یگانه مجریه کارآمد و قابل ستایش است ولی برای جامعه ما در حال حاضر همین دوگانگی قوه مجریه مناسب‌تر است.

۵-۶. نظام نیمه‌ریاستی و تشخیص نظام حاکم بر ایران

نظام نیمه‌ریاستی آمیزه‌ای از نظام‌های ریاستی و پارلمانی است. در این نظام، رئیس‌جمهوری به طور مستقیم از سوی مردم انتخاب می‌شود و دارای صلاحیت‌های واقعی و گسترده‌ای نسبت به رئیس‌جمهوری منصوب از سوی پارلمان می‌باشد. همچنین، هیات وزیران با پیشنهاد رئیس‌جمهوری و رأی اعتماد پارلمان تشکیل می‌گردد (۵). با توجه به مباحث مطرح شده، به نظر می‌رسد نظام سیاسی ایران با نظام نیمه‌ریاستی و نیمه‌پارلمانی بیشتر تطابق دارد. از یک طرف

۵-۷-۲. اصالت و قانون طبیعت

اندیشمندان یونانی به قوانین نامکتوبی معتقدند که به نظر آن‌ها در طبیعت و به ویژه در نهاد آدمی نهفته است، این قوانین به عنوان نظمی هنجاری تلقی شده است، که به وسیله نوعی قدرت ماوراء طبیعی ایجاد و توصیه شده و یا در قوای عاقله و خرد آدمی نهفته است. انسان نیز موجودی است اجتماعی؛ اجتماع و زندگی لازمه رشد آدمی بوده، و زندگی اجتماعی، آرمانی و مطلوب نیز قابل تأیید و تحقق به شمار می‌رود.

«اما زندگی دارای برخی اصول غیرتاریخی تغییرناپذیر و عقلانی است، که به موجب این اصول اخلاقی، ما می‌توانیم رفتار خود را ارزیابی کنیم» (۹).

حکومت یک قیومیت است، و موظف به رعایت قوانین و حقوق طبیعی است، چنانچه نتواند این حقوق را کشف و اعمال و حفظ و حراست نماید. در حقیقت از عمل به «خیر عمومی» و اداره و رهبری جامعه در چارچوب قانون کل بازمانده است. لذا مشروعیت خود را از دست می‌دهد، و مردم حق دارند آن را براندازد. حکومت، کارگزار دولت برای عملی کردن اراده اجتماعی مردم، مبتنی بر حقوق طبیعی است.

۵-۷-۳. اصالت و حاکمیت خداوند

در این نگرش خداوند، خالق هستی، موجودات و انسان است. ایجاد رشد، تربیت و هدایت همه موجودات به دست اوست، او می‌تواند در تمام شئون مخلوقات خویش تصرف کند، او به مصالح دین و دنیا و حال و آینده جهان و انسان واقف، و در خلقت و تشریح حکم آگاه است. و پیامبران می‌توانند قوانین الهی را دریافت کنند، و ایشان تجسم حاکمیت حقوقی خداوندند، بنابراین تمام قواعد و افعال دولت بایستی در چهارچوب این قواعد ارسالی تنظیم گردد.

۵-۸. دیدگاه نظریه پردازان در قبال اصل تفکیک قوا در**نظام ریاستی و نیمه ریاستی**

حکمای یونان مانند افلاطون و ارسطو و برخی دانشمندان متأخر مانند گروسپوس، پوفندرف، بدن در آثار خود به طور

برجسته و گریخته درباره قوای مختلف حکومتی، و محاسن تفکیک قانون‌گذاری از امر اجرایی عقایدی ابراز داشته‌اند، لکن هیچکدام از این عقاید از وضوح و روشنی لازم برخوردار نیستند، تنها نظریه جامع و کامل در باب تفکیک قوا متعلق به جان لاک^۱ فیلسوف و متفکر مشهور انگلیسی و شارل منتسکیو^۲ فیلسوف و حقوقدان مشهور فرانسوی است (۱۰).

اساس نظریه تفکیک قوا بر این فکر استوار است که عده‌ای معتقدند که خطر بزرگ وجدی برای حقوق و آزادی‌های افراد، از ناحیه قدرت متمرکز یعنی استبداد و خودکامگی است، و اساسی‌ترین و موثرترین مکانیسم حکومتی برای جلوگیری از این خطر، تفکیک قواست. این نظریه در قرن هیجدهم در اروپا بر اثر نوشته‌های جان لاک، منتشر و رایج شد. و در افکار سیاسی اثر عمیقی بخشید تا آنجا که مردم روشن‌بین، تفکیک قوا را خاص آزادی و از لوازم آن تلقی می‌کردند. ماده ۱۶ اعلامیه مشهور حقوق بشر و مشهور فرانسه مورخ ۱۷۸۹ می‌گوید: «جامعه‌ای که در آن حقوق افراد نشده باشد و تفکیک قوا برقرار نباشد آن کشور قانون اساسی ندارد» (۱۱). یعنی فاقد یک «سازمان منطقی و عقلانی سیاسی» می‌باشد. نویسندگان قانون اساسی ۱۷۸۷ ایالات متحده آمریکا و در چند سال بعد، واضعان قانون اساسی ۱۷۹۱ فرانسه با بهره‌گیری از این نظریه اساس حکومت را بر مبنای استقلال قوای ثلاثه طرح‌ریزی کردند، امروزه تفکیک قوا سنگ بنای ساختار سیاسی، دموکراسی‌های غربی و آزاد جهان را تشکیل می‌دهد.

۵-۸-۱. نظریه جان لاک

جان لاک در کتاب خود به نام «رساله‌ای در باب حکومت مدنی»^۳ با الهام از سازمان سیاسی انگلستان در عصر خود،

^۱ John Locke

^۲ Montesquieu

^۳ اثر معروف لاک تشکیل شده از دو مقاله درباره حکومت است، در مقاله اول، لاک به رد ادعای نویسندگانی که نام روبرت افلایمر می‌پردازد که کوشیده بود برای سلطنت حق الهی قائل شود و حکومت دینی را توجیه کند. مقاله دوم راجع به شرح و بسط و تبیین عقائد لاک درباره آزادی و حکومت مدنی و توجیه فلسفی آن می‌باشد.

قوا رعایت می‌شود، از این رو منتسکیو تفکیک قوا را ضامن آزادی می‌داند و معتقد است که آزادی زمانی تأمین می‌شود، که وظایف قانون‌گذاری، اجرا و قضاوت از یکدیگر مجزا و هر کدام در اختیار ارگان‌های مختلف قرار گیرد.

«منتسکیو می‌گوید، به تجربه ثابت شده است که وقتی همه قدرت، در دست یک فرد متمرکز است، وقتی یک فرد دارای قدرتی است، میل و گرایش طبیعی او به سوءاستفاده از آن است، و برای اینکه چنین وضعی پیش نیاید، باید قدرت را تقسیم کرد، و هر بخش از آن را به ارگانی سپرد تا قدرت، قدرت دیگر را مهار کند، تا بدین ترتیب آزادی و حقوق افراد حفظ شود، منتسکیو از بیان خود چنین نتیجه می‌گیرد که برای حفظ آزادی باید رابطه بین سه قوه حکومتی (مقننه، مجریه، قضاییه) به گونه‌ای ترتیب داده شود که یکدیگر را محدود و خنثی کنند. او می‌گوید ممکن است کسانی تصور کنند که هدف از محدود کردن متقابل قوا، عدم دخالت هر قوه، در وظایف و امور قوه دیگری است، لکن تنها دخالت نکردن قوا در یکدیگر نظر را تأمین نمی‌کند، زیرا این امر ممکن آنها را به سوی استبداد و خودکامگی سوق دهد و آزادی به مخاطره بیفتد، لذا وی پیشنهاد می‌کند که سه قوه با یکدیگر تماس و ارتباط داشته باشند و یکدیگر را خنثی و محدود نماید تا بر اثر برخورد متقابل آنها، حکومتی متعادل بوجود آید» (۱۰).

«آزادی سیاسی تنها در دموکراسی میانه‌رو وجود دارد اما این امر همیشه حتی در حکومت‌های میانه‌رو نیز دیده نمی‌شود، بلکه زمانی تحقق‌پذیر است که از قدرت سوءاستفاده شود، اما تجربه‌های همیشگی نشان داده‌اند که هر انسان صاحب قدرتی گرایش دارد تا از قدرت سوءاستفاده کند، پس آنقدر به پیش می‌تازد تا به حد و مرزی بر خورد، حتی فضیلت نیز نیازمند حدود است» (۱۱).

باید در نظر داشت در نوشته‌های منتسکیو اصطلاح تفکیک قوا به صراحت نیامده بلکه تکیه کلام او بیشتر در توازن و تعادل

درباره لزوم تفکیک قوه مقننه و قوه مجریه از یکدیگر بحث می‌کند و آن را ضامن آزادی در کشور می‌داند، وی می‌گوید اگر قوه مقننه و قوه مجریه در دست شخص واحدی باشد، چه بسا که به سوءاستفاده از قدرت، وسوسه خواهد شد و لذا وی برای دولت سه قوه قائل است. مقننه، مجریه، فدراتیو، از نظر وی قوه فدراتیو (متحده) قوه‌ای است جدا از قوه مجریه و آن شامل قوه صلح و جنگ، بستن قرارداد و عهدنامه‌های بین‌المللی، ایجاد روابط دیپلماتیک با خارج است و آن جزء اختیارات پادشاه می‌باشد، لاک قوه قضائیه را خارج از عملکرد سیاسی و حکومتی می‌داند و از آن بحثی به میان نمی‌آورد و در واقع آن را عمداً به دست فراموشی می‌سپارد و بدین ترتیب، لاک قوای سه‌گانه را در عمل به دو قوه مقننه و قوه مجریه محدود می‌کند و معتقد است که برای حفظ آزادی باید این دو از یکدیگر جدا باشند، لاک در عین اینکه اختلاط این دو را به سبب ضعف‌های انسان و وسوسه‌انگیز بودن قدرت، خطرناک می‌داند، ولی همکاری آنها را با یکدیگر لازم و ضروری می‌شمرد، از نگاه جان لاک هر کدام از این دو قوه در عملکردهای خود، از نیروی جامعه بهره می‌گیرند، پس چگونه می‌توان نیروی جمهوری را در اختیار کسانی گذاشت که از یکدیگر مجزی و مستقل باشند و از هم اطاعت نکنند، همچنین قوه مجریه و قوه فدراتیو هر کدام به تنهایی و جدا از یکدیگر اعمال شوند. نبودن وحدت فرماندهی موجب ایجاد بی‌نظمی و زیان خواهد بود (۱۲).

۵-۸-۲. نظریه منتسکیو

همانگونه که منتسکیو، حقوقدان مشهور فرانسوی در سال ۱۷۴۸ در اثر مشهور خود به نام (روح القوانين) به تفصیل درباره تفکیک قوا از جهات حقوقی و سیاسی بحث کرده است. هدف منتسکیو از طرح این نظریه، در واقع کوشش برای یافتن نوع حکومتی است که در آن آزادی وجود داشته باشد، با این هدف منتسکیو به بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی کشورها به ویژه انگلستان می‌پردازد، وی از بررسی‌ها و مشاهدات خود چنین نتیجه می‌گیرد که اگر در این کشور آزادی وجود دارد، به جهت آن است که در حکومت انگلستان عملاً اصل تفکیک

¹ Le pouvoir arête le pouvoir

قواست. اصطلاح تفکیک قوا بعدها توسط نویسندگان قانون اساسی در فرانسه و کشورهای دیگر متداول گردید.

۵-۹. راهکارهای موجود در نظام ریاستی برای جلوگیری

از همسان شدن دو قوه: (همسان شدن ماهوی)

همان‌طور که گفتیم این حالت در نظام ریاستی حالت استثنا است، اما با وجود این، راهکارهای مقابله با این احتمال را در نظام ریاستی بررسی می‌کنیم. این در حالی است که راهکارهای موجود در نظام پارلمانی برای مقابله با همسانی ماهوی (زیرا در نظام پارلمانی همسانی صوری که، کاملاً مشهود است) بسیار محدود است.

۱- رویکرد سیاست خارجی و سیاست داخلی، ابزاری برای جلوگیری از یکه‌تازی حزب برتر

این ابزار را می‌توان کاملاً در نظام ریاستی آمریکا جستجو کرد. این امر زمانی اتفاق می‌افتد، که سیاست خارجی به عهده قوه مجریه، و سیاست داخلی به عهده پارلمان باشد. در نظام پارلمانی به علت اینکه قوه مجریه و پارلمان باید از یک حزب، یا به عبارتی از یک طیف باشند، نمی‌تواند سیاست خارجی قوه مجریه متفاوت از سیاست خارجی حزب اکثریت در پارلمان باشد. بنابراین مردمی که به حزب پیروز در پارلمان رأی داده‌اند، باید به سیاست‌های خارجی آن حزب هم‌گردن نهند (۱۳).

این در حالی است که در بیشتر مواقع مردم سیاست‌های داخلی یک حزب مورد نظر خود را قبول دارند، اما سیاست‌های خارجی آن حزب را قبول ندارند، یا برعکس. اما در نظام ریاستی مردم می‌توانند به حزبی که سیاست‌های داخلی آن مورد قبول آنهاست، رأی دهند، و در مورد سیاست‌های خارجی، به حزب دیگر که مخالف حزب مورد نظر آنها در پارلمان است رأی دهند، این خود حاکی از آن است که در نظام ریاستی در بیشتر مواقع الزاماً حزب پیروز و اکثریت در پارلمان نمی‌تواند با حزب متعلق به رئیس‌جمهور از یک حزب باشند.

۲- وجود انتخابات ریاست جمهوری در میانه فعالیت حزب اکثریت در پارلمان (در میانه دوره تقنین)

یکی از راه‌هایی که می‌توان از همسان شدن دو قوه در نظام ریاستی جلوگیری کرد، و همچنین مانع یکه‌تازی پارلمان شد این است، که انتخابات ریاست جمهوری در میانه دوره فعالیت حزب اکثریت در پارلمان باشد، چون از این طریق در صورتی که حزب اکثریت در پارلمان خلاف تمایلات مردمی و برخلاف خواست مردم حرکت کنند و سیاست‌هایش مورد قبول مردم نباشد، آنگاه مردم بتوانند با انتخاب رئیس‌جمهور که مخالف حزب اکثریت در پارلمان است، مخالفت خود را با سیاست‌های حزب اکثریت ابراز کنند. این در حالی است که در نظام پارلمانی، اگر حزبی، اکثریت پارلمان را در دست گرفته و قدرت را در دست بگیرد، حداقل برای یک دوره نمایندگی هیچ قدرتی نمی‌تواند مخالفت خود را ابراز کند چون پارلمان قوه مجریه در دست حزب اکثریت است. و اقلیت هم تنها جز ابزار تبلیغاتی علیه حزب اکثریت، توان مقابله با تصمیمات حزب اکثریت را ندارد.

۳- عدم رقابت حزبی در انتخابات ریاست جمهوری

یکی دیگر از راه‌هایی که می‌تواند جلوگیری کند، از همسانی دو قوه (در نظام ریاستی) این است که انتخابات ریاست جمهوری را از حالت حزبی خارج کرده، تا از همسان شدن دو قوه جلوگیری شود. در این حالت دیگر امکان اینکه رئیس‌جمهور و حزب اکثریت در پارلمان از یک حزب باشند، وجود ندارد. اما در نظام پارلمانی این چنین نیست (۱۳).

۴- به دلیل عدم پاسخگو بودن حزب اکثریت در پارلمان در نظام ریاستی

حتی اگر سه مورد قبلی را کافی ندانیم برای جلوگیری از همسان شدن ماهوی دو قوه در نظام ریاستی، باز هم اگر رئیس‌جمهور و حزب اکثریت پارلمانی از یک حزب باشند. در این حالت اگرچه حزب اکثریت در پارلمان و رئیس‌جمهور از یک حزب هستند، اما در صورت ناکارآمد بودن قوه مجریه، به علت عدم پاسخگو بودن حزب اکثریت در پارلمان، کاملاً می‌تواند، در نقطه مقابل رئیس‌جمهور و قوه مجریه قرار گیرند، به دلیل اینکه آنها هیچ سهمی در انتخاب رئیس‌جمهور نداشته‌اند و در صورت ناکارآمد بودن قوه مجریه خود را کاملاً از اقدامات قوه مجریه مبری می‌کنند، حداقل برای

نمایندگان جوابگو باشند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از آنجائی که رئیس جمهور مستقیماً با رأی مردم انتخاب می‌شود، نظام شأن ریاستی و از آن جهت که وزرا می‌بایست از مجلس رأی اعتماد بگیرند شأن پارلمانی دارد، به این جهت این نظام را نیمه‌ریاستی و نیمه‌پارلمانی می‌گویند که در آن دولت تا حدودی زیاد تحت‌نظر مجلس قرار خواهد گرفت. اینکه بررسی چگونگی تداخلات صلاحیت‌ها و مرزهای قدرت در این رژیم سیاسی می‌پردازیم و مرزهای یگانگی و دوگانگی و قدرت را ترسیم خواهیم کرد (۱۴).

۵-۱۱. مزایا و معایب نظام نیمه‌ریاستی

۵-۱۱-۱. مزایای نظام ریاستی در آمریکا

- عامل اصلی تقویت‌کننده حکومت ریاستی این است که با جداسازی قوه مقننه از قوه مجریه، تنش‌های داخلی ایجاد می‌شود که در پیشبرد حقوق و آزادی‌های فردی مؤثر است (۱۵).

- پدران بنیان‌گذار قانون اساسی آمریکا را که قصد داشتند مانع از غلبه حکومت ریاستی، شبیه پادشاهی بریتانیا بر کشورشان شوند به همین علت خطر استیلای قوه مجریه باعث گردید تا مجموعه‌ای از قدرت‌ها به کنگره تفویض شود.

- کنگره حق اعلان جنگ و افزایش مالیات را دارد. پیمان‌ها را ممکن است تصویب و دیدگاه‌های رئیس جمهور را تأیید.

- کنگره (در مجلس: سنا + مجلس نمایندگان) می‌تواند رئیس جمهور را متهم به خیانت و او را تحت تعقیب قرار دهد.

- رئیس جمهور: رئیس دولت و رئیس کشور تنها سیاستمداری است که در سطح ملی انتخاب می‌شود.

- نماد وحدت بخشی ملی و وفادار به میهن محسوب می‌شود.

- تقسیم قدرت میان بخش اجرایی و مقننه سبب می‌شود که حکومت دموکراتیک‌تر باشد.

- حکومت ریاستی در مقابل چالش‌های اقلیم‌ها پاسخگو می‌سازد (۱۵).

- مکتب برتری رئیس جمهور این امتیاز را دارد که - رهبری شخصی را ممکن می‌سازد - سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها قابل فهم‌تر و دقیق‌تر هستند، زیرا شکلی مشخصی به فرد می‌گیرند.

دفاع از حیثیت خود و عملکرد خود، کاملاً خود را از اقدامات قوه مجریه میرا و درنقطه مقابل آن قرار می‌گیرد، اتفاقی که در آمریکا بارها رخ داده. این در حالی است که در نظام پارلمانی جز در موارد نادر و استثنایی حزب اکثریت و قوه مجریه کاملاً با یکدیگر هماهنگ و همسو هستند، و حتی در مواقعی که قوه مجریه ناکارآمد باشد، از آن انتقاد نمی‌کند چون انتقاد از آن، انتقاد از خود است.

این راهکارها که برای نظام ریاستی برای جلوگیری از همسان شدن دو قوه عنوان کردیم به غیر از راهکار پارلمان دو مجلسی بود، چون این راهکار در هر دو نظام قابل بررسی است.

۵-۱۰. دلایل نیمه‌ریاستی نیمه‌پارلمانی نظام سیاسی

ایران

نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه، نخستین بار در اندیشه شیعه، همراه با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۷ ش) به رهبری امام خمینی (ره) (۱۳۶۸-۱۲۸۱) ظاهر شد. هر چند از زایش و تحولات این نظریه در تفکر شیعه کسی بیش از چهار دهه می‌گذرد، اما آثار و پیامدهای گسترده‌ای در تاریخ اندیشه و زندگی سیاسی شیعه بر جای نهاده است. به همین لحاظ، در میان نوشته‌هایی که پس از انقلاب درباره نظام سیاسی جدید منتشر شده است آثار و بسیار اندکی یافت می‌شود که در خصوص رابطه ولایت فقیه با الگوی حکومت جمهوری داوری نکرده باشد. اما الگوی تقسیم قوا در جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به روش تفکیک قوا به سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه که در محیط اداره رهبری شکل گرفته و تعامل دارند و این مهمترین خصوصیت نظریه تفکیک قوا در جمهوری اسلامی ایران است.

در این رژیم در عین اینکه دستگاه‌ها از یکدیگر تمایز و تفکیک دارند، میان آنها نوعی وابستگی وجود دارد و باید در برابر دستگاهی که از آن کسب قدرت کرده‌اند، پاسخگو مسئول باشند و به همین علت قوا بر روی یکدیگر تأثیرگذار خواهند بود. این وابستگی و همبستگی موجب پیدایش «حق نظارت پارلمان» در روند امور کشور می‌گردد. زیرا که نمایندگان در برابر مردم مسئول بوده و عوامل اجرایی نیز باید در برابر

می‌توانند، با پیوستن به یکدیگر، رئیس‌جمهور را متهم کنند و تحت تعقیب قرار دهند. رئیس‌جمهور امتیازات زیادی دارد. وی رئیس‌دولت و رئیس‌کشور و نیز تنها سیاستمداری است که در سطح ملی انتخاب شده است و نمادی از وحدت بخشی ملی و وفاداری به میهن محسوب می‌شود. همچنین، تقسیم قدرت میان بخش‌های اجرایی و قانون‌گذاری این امکان را فراهم می‌کند تا حکومت دموکراتیک‌تر باشد؛ بدین معنا که آن را در برابر چالش اقلیت‌ها پاسخگو می‌سازد.

با این حال، سیستم‌های ریاستی ممکن است کارآمدی نداشته باشند، زیرا گرفتار یک «کشمکش ناگزیر»^۱ میان بخش‌های اجرایی و قانون‌گذاری‌اند. به عنوان مثال، در انتقاد از سیستم حکومتی ایالات متحده این بحث مطرح می‌شود که «پیشنهادات ریاست جمهوری و تمایلات کنگره چیزی بیش از نمایش یک بن‌بست قانونی یا حکومتی نیست.» زمانی این احتمال زیاد می‌شود که کاخ سفید و عمارت کنگره در کنترل احزاب رقیب قرار گیرند؛ همچنین زمانی که، مانند دوران کارتر (۱۹۷۷-۱۹۸۱)، حزب واحدی هر دو قوه را در اختیار داشته باشد. ساختار در سیستم‌های نیمه ریاستی به گونه‌ای بوده که این مشکل رفع شود. با این حال، این گونه تنش‌های قانونی مشابه، در فرانسه، زمانی رخ می‌دهد که رئیس‌جمهورها به کار با نخست‌وزیران و کابینه‌ای از حزب یا احزاب رقیب مجبور شده باشند که، در نتیجه، پدیده «همخانگی» به وجود عرضی و هم در سطح کارکردی پراکنده شده است؛ بدین معنا که ارتباطی چند وجهی بین دو سطح دولت وجود دارد. با این حال، نظام‌های پارلمانی اغلب آنچه «فدرالیسم اجرایی» نامیده می‌شود، ایجاد می‌کنند (به ویژه کانادا و استرالیا) که، در آن‌ها، تعادل فدرال تا حد زیادی را روابط میان بخش‌های اجرایی هر دو سطح دولت تعیین می‌شود. در دولت‌هایی مانند آلمان و اتریش آنچه فدرالیسم اجرایی می‌نامند، در چارچوبی به کار گرفته می‌شود که، در آن، دولت مرکزی سیاست‌گذاری اصلی است و دولت‌های ایالتی مسئولیت اجرای خط‌مشی‌ها را دارند (۱۵).

جامعه با یک شخص آسان‌تر از تک‌نهاد سیاسی مانند کابینه یا حزب سیاسی همکاری می‌کند. توانایی رئیس‌جمهور برای تبدیل شدن به یک شخصیت برجسته ملی و سمبولی از ریاست سیاسی و تشریفاتی بر یک ملت منسجم نیز به همین وضعیت مربوط است. ممکن است که رؤسای جمهور در دوران بحران‌های اقتصادی و جنگ، بسیج تجهیزات و نیروها را رسماً اعلام کنند.

- تمرکز قدرت اجرایی در دست یک مقام شفافیت و انسجام را تضمین می‌کند (بر خلاف ناراضیاتی و شاید توافقات غیراصولی که خمیره دولتی با کابینه‌ای جمعی است).

- قانون اساسی ایالات متحده آزادی‌های فردی و حقوق شهروندی را تضمین و هیچ‌گونه حق تعرض و تجاوز به حقوق مردم را ندارد. در نتیجه ایالات متحده همچنان به عنوان نظامی که مدافع حقوق فردی است در برابر مداخلات حکومت شناخته می‌شود (۱۵).

۵-۱۱-۲. معایب نظام ریاستی آمریکا

در جهان لیبرال - دموکراسی، حکومت ریاستی جایگزین اصلی حکومت پارلمانی است. با این حال، تعداد حکومت‌های ریاستی بسیار کمتر از حکومت‌های پارلمانی است.

ایالات متحده یک مثال قدیمی از سیستم ریاستی است که بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین آن را نپذیرفته‌اند. سیستم‌های نیمه‌ریاستی را می‌توان در دولت‌هایی نظیر فرانسه و فنلاند مشاهده کرد. عامل اصلی تقویت‌کننده حکومت ریاستی این است که با جداسازی قوه مقننه از قوه مجریه، تنش‌های داخلی ایجاد می‌کند که در پیشبرد حقوق و آزادی‌های فردی مؤثر است. همچنین این تمایل به اصطلاح «پدران بنیان‌گذار» قانون اساسی ایالات متحده بود که قصد داشتند مانع از غلبه حکومت ریاستی، شبیه پادشاهی بریتانیا، بر کشورشان شوند. در ایالات متحده، خطر استیلای قوه مجریه باعث گردید تا مجموعه‌ای از قدرت‌ها به کنگره تفویض شود. به عنوان مثال، کنگره حق اعلان جنگ و افزایش مالیات‌ها را دارد، سنا ممکن است پیمان‌ها را تصویب و دیدگاه‌های ریاست جمهوری را تأیید کند، و دو مجلس

¹invitation to struggle

۵-۱۲. مقایسه تطبیقی نظام ریاستی آمریکا با نظام

نیمه ریاستی نیمه پارلمانی ایران

مقام رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با هیچ یک از مقامات پیش‌بینی شده در قوانین اساسی دیگر کشورها قابل مقایسه نیست. رهبری مقامی است سیاسی، دینی، اجرایی که در طول تاریخ شیعه در لسان فقها با عنوان ولی فقیه پیش‌بینی شده و بر اساس روایات، و اخبار در زمان غیبت امام عصر، باید زمام امور جامعه اسلامی را عهده‌دار باشد. رهبری مقام مذهبی یاسی مشخص اسلامی است که رد رأس هرم حاکمیت قرار می‌گیرد، اما نه شاه و نه رئیس جمهور پذیرش رهبر بر اساس شرایط است و ادامه اقتدار او هم بستگی به ادامه شرایط دارد، بارزترین این شرایط تقوا و عدالت است. مقام رهبری با مقام سلطنت قابل مقایسه نیست. شاه در کشورهای سلطنتی سلطنت می‌کند، مقامی است غیرمستول، سلطنت موروثی است، هیچیک از شرایطی که برای رهبر لازم و ضروری است در مورد سلطنت ضرورت ندارد، و پیش‌بینی نشده، رهبری با شرایط فوق مخصوص جامعه اسلامی است. با اینکه اقتدارات و اختیارات رهبر گسترش و وسعت فوق‌العاده دارد، اما تابع احکام و موازین اسلام است، رهبر مثل دیگر افراد جامعه مسئولیت دارد، رهبری با وراثت منتقل نمی‌شود، با درگذشت رهبر هیچ یک از افراد خاندان او حقی به عنوان وراثت بر جامعه اسلامی پیدا نمی‌کند. با احراز شرایط، شخص رهبر در این مقام قرار می‌گیرد و با فقدان شرایط بقای رهبری جایز نیست. اختیارات رهبر بر اساس موازین اسلامی مطلق نتیجه‌گیری شده است. و بر محور صلاح و مصلحت جامعه اسلامی و امت مسلمان باید استفاده شود. در حالی که اراده شاه در حکومت‌های سلطنتی استبدادی به لحاظ اینکه قدرت دارد و در رأس قرار گرفته محدودیتی ندارد، و در سلطنت‌های مشروطه محدود به قانون اساسی است. در جمهوری اسلامی ایران برابر قانون اساسی همه اقتدارات مسئولین به نحوی به قام رهبری مربوط می‌گردد، رهبر فرماندهی کل قوای مسلح را دارد، بخش یا از امور اجرائی کشور را مستقیماً اعمال کمی نماید، و سه قوه قضائیه و تقنینیه و اجرائیه زیر نظر رهبری وظایف خود را انجام می‌دهند (۱۶).

فقه‌های شورای نگهبان با احراز شرایط، از جانب رهبر برگزیده و منصوب می‌شوند. تصمیمات شورای عالی امنیت ملی با تدبیر رهبر قابلیت اجرا پیدا می‌کند مسائل بغرنج نظام با مشورت مجمع تشخیص مصلحت با تصمیم رهبر حل می‌شود و عفو محکومین احکام قطعی قضائی فقط از جانب رهبر امکان‌پذیر است.

برکناری رئیس جمهور چه به عنوان اعلام عدم کفایت سیاسی (از طرف مجلس) یا به صورت تخلف از انجام تکالیف قانونی (از طرف دیوانعالی کشور) تنها با حکم مقام رهبری عملی است^۱ گرچه نهادی به عنوان مجلس خبرگان منتخب ملت پیش‌بینی شده تا پیوسته تصمیمات رهبری از حیث موازین اسلام و رعایت شرایط در سنجش داشته باشند و در واقع قدرت را کنترل کنند. در صورت احراز فقدان عدالت و انحراف از اصول اعلام عزل نمایند. موضوع به لحاظ نداشتن سابقه عملی دربوته آزمایش است در این رابطه سؤالات بسیاری مطرح است.

ویژگی‌های عمده نظام سیاسی آمریکا، که به بررسی دقیق همه‌ی جنبه‌های ساختار آن پرداختیم، بر سازمان و عملکرد قوه‌ی مجریه‌ی حکومت نیز تأثیر می‌گذارد. در واقع، به جای ارائه‌ی تصویری متحد و سلسله‌مراتبی بسیار هماهنگ از دستگاه اجرایی، این دستگاه را می‌توان غیرمتمرکز، واگرا و تقریباً آناشیک نامید. تفکیک قوا، که در نمونه‌ی آمریکایی آن تکامل یافته، ابزارهای اجرایی را مطیع خواست رئیس جمهور قرار نداده و در عمل به کنگره اختیار و آمادگی دخالت

^۱ مجلس خبرگان نهاد رهبری، در قانون اساسی پیش‌بینی شده اعضای آن با شرط عدالت و اجتهاد از جانب مردم برای ۸ سال انتخاب می‌شوند، این مجلس در هر دوره طی اجلاس‌هایی وضع رهبری را تحت نظر و مراقبت دارد، تا در مواقع لازم بتواند به وظیفه انتخاب یا برکناری رهبر طبق موازین اقدام نماید، در قانون اساسی شورائی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام در نظر گرفته شده، تا هر گاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان باشد، شورای مذکور وظایف را موقتاً انجام دهد، و اگر زمانی تا انتخاب رهبر جدید رخ دهد و وظایف معطل نماند. (به نقل از کتاب حقوق اساسی تطبیقی: بانضمام قوانین اساسی جمهوری اسلامی ایران - فدراسیون روسیه - ایالات متحده آمریکا - جمهوری ترکیه - امپراتوری چین، مدنی، جلال الدین، ۱۳۱۶، تهران: جنگل جاودانه، ۱۳۸۸).

تعدیل‌کننده و متحدکننده بشناسیم که وجود چنین نهادی در سیستم ریاستی آمریکا وجود ندارد (۱۷).

- در آمریکا، قانون اساسی تمامیت قدرت سیاسی مخصوص رئیس جمهور دانست در حالی که در ایران قدرت سیاسی تقسیم شده و از آن رهبر و رئیس جمهور است.

- در آمریکا نویسندگان قانون اساسی به افکار عمومی خوشبین نبودند و می‌ترسیدند که رئیس جمهور منتخب، حکومت ظالمانه‌ای تشکیل دهد به همین جهت او را رئیس ایالات متحده نامیدند نه رئیس جمهور، ولی در ایران قانون اساسی با محوریت ولایت فقیه ترسی از دیکتاتوری شدن رئیس جمهور نداشتند. چنانکه در قضیه اولین رئیس جمهور (بنی صدر) دیده شد.

در آمریکا مردم ایالات عضو فدرال منتخبین رئیس جمهور را انتخاب و آنها رئیس جمهور را برمی‌گزینند ولی در ایران نامزدی که از صافی شورای نگهبان عبور کرده و شرایط اختصاصی ریاست جمهوری را داشته باشد با رأی مستقیم و بدون واسطه مردم، در تاریخ اعلان شده در یک روز برگزیده می‌شود. در آمریکا اگر اکثریت مطلق در دور اول حاصل نشد بر مجلس نمایندگان یا مجلس سنا است که از میان کاندیدهایی که بیش از همه رأی آوردند رئیس جمهور را انتخاب می‌کند ولی در ایران دو نفر از میان کاندیدهایی که حائز بیشترین رأی شدند یک هفته بعد با هم رقابت می‌کنند و کاندیدی که اکثریت نسبی را بدست بیاورد رئیس جمهور می‌شود (۱۷).

در آمریکا برای انتخاب کاندیدای حزبی مثلاً در سال ۱۹۲۴ حزب دموکرات ۱۰۳ اخذ رأی را تکرار کرد تا به توافق رسیدند ولی در ایران گروه‌های سیاسی در صورت عدم توافق بر کاندیدای واحد بطور مستقل وارد انتخابات می‌شوند و علم مخالفت با گروه سیاسی را بلند می‌کنند.

- در آمریکا: معاون اول رئیس جمهور با انتخاب خاص و جداگانه از طرف منتخبین برگزیده شود؛ از قید قدرت مستقیم رئیس جمهور آزاد است و چون رئیس جمهور معاون تعیین نمی‌کند و حزب به او تحمیل می‌کند، گاهی همکاری بین آن دو مشکل می‌نماید و معاون هم برای چهار سال انتخاب

در امور روزمره‌ی دستگاه اجرایی را داده است. ساختار نظام فدرال ایجاب می‌کند دستگاه اجرایی فدرال با مقامات ایالتی و محلی سراسر قاره کار نماید. این ساختار اقدامات دستگاه حکومتی فدرال را در معرض فشارهای عمده‌ی مختلفی قرار می‌دهد که از سوی مجموعه‌ی کارکنان دولتی، که بیش‌تر آن‌ها خارج از واشنگتن فعالیت می‌کنند و نیز از جانب مقامات اجرایی که مجبور به هماهنگی با سناتورها و نمایندگان کنگره، فرمانداران و سیاستمداران ایالتی و محلی هستند و برای اعمال نظراتشان بر رئیس جمهور و زیردستان او در پایتخت جمع شده‌اند، اعمال می‌شود. در واقع، تکثرگرایی سیاست آمریکا در ساختار و عملکرد دستگاه اجرایی منعکس شده است (۱۶).

۵-۱۳. اختلافات قوه مجریه ریاستی آمریکا با قوه

مجریه نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی ایران

- صلاحیت قوه مجریه در آمریکا بطور یکجا و کامل به یک دستگاه (ارگان) واگذار شده ولی در ایران صلاحیت قوه مجریه به دو نهاد رهبری و رئیس جمهوری سپرده شده است.

- در آمریکا ریاست دولت و حکومت به یک ارگان (شخص) سپرده شده در حالی که در ایران ریاست کشور با رهبر و ریاست حکومت (دولت در معنای خاص = هیأت وزراء) به رئیس جمهور سپرده شده است.

- در آمریکا محدودیت‌های قوه مجریه در قانون اساسی قید گردیده است که از طرق نیروهای سیاسی که متعادل‌کننده قدرت و دولت به شمار می‌روند اعمال می‌گردد ولی در ایران علاوه بر قانون اساسی، نهاد رهبری و مجلس در کنترل قوه مجریه دخالت دارند.

- قوه مجریه در آمریکا «مونیسیت Moniste» یا یک ارگانی هست ولی در ایران قوه مجریه «دوالیست Dualist» یا دو ارگانی یا اثنانی (رهبر - رئیس جمهور) است.

- در ایران بعد از اصلاحات قانون اساسی در سال ۶۸ و حذف پُست نخست‌وزیری و ریاست مستقیم رئیس جمهور بر وزیران، قوه مجریه مونیسیت "تک ارگانی" تبدیل شده، در صورتی که ما رهبری را به عنوان اقتداری جدا و فوق سه قوه و بعنوان قوه

اداره زندان‌ها هم تحت پوشش سازمان زندان‌ها که زیر نظر وزارت دادگستری است اداره می‌شود.

- در آمریکا؛ تشکیل جلسات کابینه اجباری نیست و ممکن است که رئیس جمهور اصلاً جلسه کابینه‌ای نداشته باشد و جلسه مابینه اتخاذ تصمیم نمی‌کند و صورت مجلس هم نوشته نمی‌شود و کابینه فقط مرکزی برای تبادل اطلاع و نظر متقابل است؛ اما در ایران؛ جلسات کابینه بطور منظم و پیوسته برگزار می‌گردد و تصمیمات کابینه (هیأت دولت) محل قانونی و حقوقی دارد و تصمیماتش برای کشور حیاتی و در امر اداره کشور ضروری است و صورتجلسات آن مکتوباً و با قواعد خاص اداری یادداشت و بایگانی می‌گردند.

- در آمریکا دفتر اجرایی رئیس جمهور ستاد اجرایی شخصی او را تشکیل و دفتر کاخ سفید که همکاران شخصی رئیس جمهورند در حقیقت وقتی که منزل رئیس جمهور و مشاوران در آن استقرار دارند منزل مسکونی رئیس جمهور است؛ اما در ایران دفتر رئیس جمهور در نهاد ریاست جمهوری قرار داده و رئیس دفتر رئیس جمهور آن را اداره می‌کند و فقط مجاز به استفاده در امور اداری از امکانات دفتر در مدت مسئولیت خویش هستند و هماهنگی‌های سیاسی و اداری و تصمیمات ضروری با سایر وزرا از سوی این دفتر با هماهنگی معاون اول صورت می‌گیرد.

- در آمریکا، شورای ملی است که بر انطباق سیاست‌های داخلی و خارجی نظارت دارد. غالباً جای کابینه را می‌گیرد. اما در ایران به منظور تأمین منافع ملی، پاسداری از انقلاب اسلامی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، به ریاست رئیس جمهور تشکیل می‌گردد و کار اصلی آن اتخاذ تصمیم شایسته برای اجرای صحیح امور دفاعی و امنیتی است یعنی حاصل کار شورا یک تصمیم اجرایی عالی امنیتی است و هیچگونه ارتباطی با کار هیأت دولت و کابینه در مفهوم عام آن ندارد و تصمیماتش جدا از تصمیمات کابینه یا هیأت دولت ممکن است عملیاتی شود.

- در آمریکا در ایالت یک فرماندار دارد که ریاست دولتی دارد و از سوی مردم همان ایالت انتصاب می‌گردد؛ اما در ایران،

می‌شود؛ ولی در ایران معاون اول رئیس جمهور با نظر مستقیم و شخص رئیس جمهور انتخاب و کسی در انتخاب معاون رئیس جمهور او را مجبور نمی‌کند و هرگاه از لحاظ سیاسی به مشکل برسند فوراً رئیس جمهور معاون اول را برکنار می‌کند، اما در آمریکا رئیس جمهور حق برکناری معاون رئیس جمهور تا پایان دوره چهار ساله‌اش را ندارد.

- در ایران معاون رئیس جمهور دستیار وی و در صورت مرگ، استعفا - عزل و... با موافقت رهبری جانشین وی می‌گردد؛ اما در آمریکا معاون رئیس جمهور قبل از آنکه دستیار او باشد، قائم مقام و جانشین احتمالی او است.

- در آمریکا معاون رئیس جمهور ریاست قانون مجلس سنا را بر عهده دارد و جز در هنگام تساوی آراء در مجلس سنا حق رأی ندارد. در ایران هیچگونه سمتی برای معاون رئیس جمهور جزء جانشینی بعد از عزل و استعفاء و فوت و یا غیبت با موافقت رهبری برای وی پیش‌بینی نگردیده است.

- در آمریکا: اقتدارات اجرایی در کف رئیس جمهور قرار دارد، مع‌الوصف در رأس هر وزارتخانه‌ای مسئول قرار می‌دهد که رؤسای این وزارتخانه‌ها اقتدار خاصی ندارند، بلکه تابع مستقیم رئیس جمهور هستند و وی آنها را با صلاحدید مجلس سنا انتصاب می‌کند و ممکن است که آنکه معرفی شده از سوی رئیس جمهور از سوی سنا رد شوند؛ در ایران هم اقتدار اجرایی از آن رئیس جمهور است و وزراء را او برای اخذ رأی اعتماد به مجلس شورای اسلامی معرفی و ممکن است که از سوی مجلس با رأی عدم اعتماد روبرو گردند. در آمریکا انتخاب وزراء بیشتر بدلیل تخصص آنها و جنبه فنی و اداری آنهاست و کمتر بر نقش سیاسی آنها تکیه نمی‌گردد ولی در ایران انتخاب وزراء اصولاً جنبه سیاسی آن پر رنگتر از جنبه‌های فنی و تخصصی و اداری آنهاست.

- در آمریکا وزیر دادگستری یا دادستان کل در واقع مشاور حقوقی رئیس جمهور است و مسئولیت اداره زندان‌ها را برعهده دارد؛ اما در ایران وزیر دادگستری از میان معرفی‌شوندگان از سوی رئیس قوه مجریه توسط رئیس جمهور به مجلس معرفی و حکم رابط بین قوه قضائیه و قوه مجریه را دارد و مشاور حقوقی رئیس جمهور بطور مستقل از سوی ایشان معرفی و

متفاوت است و همگی از یک قدرت برخوردار نیستند، استانداران استان‌های بزرگ از اعتبار و وثاقت بیشتری اگر بر اساس منافع ملی تصمیم بگیرند و مورد اعتماد دولت باشند برخوردار هستند تا استان‌های کوچک که اعتراضات آنها کمتر تشکیل می‌شود.

در ایران امضاء قوانین بعد از تأیید شورای نگهبان بر عهده رئیس جمهور است؛ اما در آمریکا بعد از تصویب کنگره (هر دو مجلس نمایندگان و سنا) رئیس جمهور حق امضاء و یا وتوی قوانین را دارد ولی در ایران حق وتو برای رئیس جمهور در نظر گرفته نشده است (۱۸).

۶. نتیجه‌گیری

همانطور که گفته شد در نظام حقوقی ایران و آمریکا دو نظام نیمه‌ریاستی و ریاستی حاکم است که ایران به شیوه نیمه‌ریاستی و آمریکا به شیوه ریاستی اداره می‌گردد. که در هر دو نظام اصل تفکیک قوا به صورت شکلی رعایت می‌گردد اما به صورت ماهوی همچنان دخالت‌های قوا را در امور یکدیگر به ندرت مشاهده می‌گردد که حاکی از این است که اصل تفکیک قوا بصورت جامع و کامل رعایت نمی‌گردد. هر چند در نظام ریاستی تفکیک قوا بصورت کامل رعایت می‌گردد در این بین نظام پارلمانی نیز وجود دارد که تمام قوا از پارلمان خط‌مشی می‌گیرند، در نظام ریاستی رئیس جمهور و نمایندگان پارلمان در دو انتخابات مجزا برگزیده می‌شوند و نه رئیس جمهور می‌تواند دوره نمایندگان را قبل از اتمام دوره قانونی پایان دهد و نه نمایندگان می‌توانند قبل از مهلت قانونی و پایان دوره به عمر دوره ریاست جمهوری پایان دهند در نظام حقوقی ایران، نظام حاکم نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی می‌باشد و به گونه است که ویژگی‌های نظام ریاستی و نظام پارلمانی در آن تلفیق گردیده است. در این نظام بر اساس انتخابات عمومی رئیس جمهور انتخاب می‌شود و بر خلاف قانونی که در نظام ریاستی وجود دارد کابینه ریاست جمهوری باید از مجلس رأی اعتماد بگیرد و پارلمان این قدرت را دارد که با دادن رأی عدم اعتماد به هتت دولت آنها را از قدرت ساقط نماید. و در نظام حقوقی آمریکا (قانون اساسی) آمریکا

استاندار با معرفی رئیس جمهور و تصویب هیأت دولت و حکم وزیر کشور انتصاب می‌گردد.

در آمریکا، قانون انتخابات واحدی بر ایالات حاکم نیست. هر ایالت برابر سوابق و مقررات و ضوابط مخصوص خودش فرماندار انتخاب می‌کند و دوره تصدی فرماندار بین ۲ تا ۴ سال است و شرایط انتخاب شدن برای فرمانداری هم یکسان نمی‌باشد؛ اما در ایران، قانون انتخابات در سراسر کشور یکی و برای تمام استان‌ها بطور یکسان اجرا می‌شود و دوره تصدی استاندار زمان معینی ندارد و به کارایی و رضایت وزیر کشور از وابستگی دارد و شرایط انتصاب به استانداری هم برای تصدی این پست رعایت شرایط عمومی و نداشتن سوءسابقه و داشتن حسن خدمت و متعهد به رعایت ضوابط و مقررات قانونی است. از سوی دیگر همسویی با رئیس جمهور و طیف سیاسی حاکم از شروط اصلی انتخاب استاندار است (۱۷).

در آمریکا هر ایالت دو مجلس ایالتی دارد که با رأی مردم انتخاب می‌شوند، مردم برای انتخاب شهردار و برخی قضات رأی می‌دهند؛ اما در ایران استان‌ها فاقد مجلس قانون‌گذاری هستند و قانون مصوب مجلس شورای اسلامی برای سراسر کشور حکم واحد را دارد و مردم برای انتخاب شهردار به اعضای شورای شهر رأی می‌دهند و شورای شهر شهردار را انتخاب می‌کند، در چنین قضات در ایران از سوی قوه قضائیه منصوب و مردم در گزینش آنها هیچ نقشی ندارند.

در آمریکا، توضیح قوانین ایالتی و همچنین خود وتوی این قوانین با فرماندار ایالتی است و اگر در مرتبه دوم، دو سوم از سوی مجالس ایالتی تصویب شوند وی متخلف به توشیح و ابلاغ است؛ اما در ایران استانداران و هیچگونه حق اعاده بررسی قوانین و یا مصوبات و بخشنامه‌ها و یا آئین‌نامه‌ها و حتی دستورالعمل‌های اجرایی را ندارند، مگر اینکه از سوی هیأت دولت تفویض اختیار شده باشند. در آمریکا برخی از فرمانداران دارای قدرت زیاد و بر کلیه ارکان اداری ریاست دارند ولی برخی از فرمانداران هم فقط رئیس رسمی و ظاهری هستند و چندان اقتداری ندارند؛ در ایران هم بواسطه کوچکی و بزرگی استان‌ها و یا بدلیل موقعیت استراتژیک استان‌ها و یا بدلیل جمعیت بیشتر برخی استان‌ها؛ اقتدار استانداردها هم

کشوری است فدرالی که یک حکومت ملی و حکومت‌های محلی پنجاه‌گانه دارد قوه مجریه فدرالی که از نوع ریاستی است. جمهوری ریاستی معمولاً تک نهادی است و همه اقتدارات اجرایی و عوامل قوه مجریه در اختیار رئیس جمهور است، رئیس جمهور بالاترین مقام رسمی کشور است و از اختیارات تام برخوردار است.

۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم.

۸. سهم نویسندگان

نویسنده دوم بعنوان نویسنده مسئول و بقیه مولفین، به عنوان همکار در تدوین مقاله ایفای نقش نموده‌اند.

۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

References:

1. Arista MJ. Analytical Principles of the Islamic Republic of Iran. Qom: Islamic Propaganda Office Publishing Center; 2010. (Persian).
2. Bushehri J. Constitutional Rights-Government. Tehran: Anteshar Co.; 2006. (Persian).
3. Madani J. Comparative Constitutional Law. Tehran: Jangal, Javadaneh; 2009. (Persian).
4. Rostami V, Marandi E. Review and analysis of Article 75 of the Constitution and the limitations of the legislature of the Majlis. *Public Law Knowledge Quarterly*. 22016;5(14):1-21. (Persian).
5. Ghazi A. Constitutional Law and Political Institutions. Tehran: Mizan Publishing; 2004. (Persian).
6. Altman A. Introduction to the Philosophy of Law. Qom: Imam Khomeini Research Institute Publications; 2002.
7. Alam A. Theory and Practice of Fascism. *Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran*. 2006;12(71):113-63. (Persian).
8. Doorjeh M. Principles of Political Science, Translated by Abolfazl Ghazi. Tehran: Amir Kabir Publications; 2016.
9. Vincent A. Theories of Government. Translated by Hossein Bashirieh. Tehran: Ney Publishing; 1997.
10. Tabatabai Motameni M. Constitutional Law. Tehran: Mizan Publishing; 2009. (Persian).
11. Ghazi A. Requirements of Constitutional Law. Tehran: Mizan; 2020. (Persian).
12. Locke J. A treatise on government. Tehran: Ney Publishing; 2008.
13. Naqibzadeh A. Politics and Government in Europe. Tehran: Samat Publications; 2019. (Persian).
14. Taheri AH. The Geometry of Government in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Rabieh Publications; 2007. (Persian).
15. Hugh A. Key Concepts in Political Science. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 2013.
16. Yari MH. The Electoral System in the System of Religious Democracy and Liberal Democracy. *Journal of Political Science Studies*. 2006;8(36):53-68. (Persian).
17. Molaei A, Moradkhani F. Analysis of the position of the president in the constitution. *Journal of Islamic Law Research*. 2019;20(2):499-526. (Persian).
18. Vicki Jackson C, Versteeg M. Comparative Constitutional Law. Tehran: Jangal Publications; 2009.

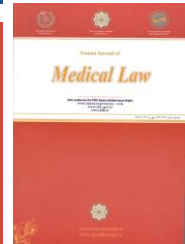


The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

Comparison of the semi-presidential and presidential system in Iran and the United States with emphasis on the principle of separation of powers

Ghodratalah Feghati¹, Gholamhossein Masoud^{2*}, Masoud Raei³, Masoud Akhavan Fard⁴

1. Ph.D. Student in Public Law, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran - Malek Ashtar University of Technology, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 7 August 2021

Accepted: 20 February 2022

Published online: 9 March 2022

Keywords:

Presidential System

Semi - Parliamentary System

Separation of powers

Iran

United States

ABSTRACT

Background and Aim: All political and legal systems are a function of a single political structure. In Iran, the system structure is in the form of a semi - presidential - parliamentary form and is run in Presidential. the purpose of this study is to answer the question whether the unity of leadership status and executive authority is better or the multiplicity of it? that is, in the united states, the unity of the two (leadership, executive) has been formed, it is best (individual executive power) or duality (two branches of executive power) in iran.

Materials and Methods: This paper is descriptive analytical, and it has been developed using documentary method and taking note of note tools.

Results: The findings indicate that the ruling system in Iran is a semi - parliamentary system, a system of governance that is integrated with the administrative system and the parliamentary system. And in the US legal system (the constitution) of the United States, a federal government, which has a national government and a double government, is the federal executive of the Presidential Administration.

Ethical considerations: From the beginning to the end of the article, it is formulated and formulated by adherence to the principles of honesty.

Conclusion: In this semi - presidential - presidential model that is ruling in Iran, such as Presidential Presidential systems, it is responsible for the Presidency of the Republic, which represents a national sovereignty and enjoys political responsibility to the parliament, and parliament is capable of overthrowing the government with a vote of confidence. in the presidential model, which is a model in the political structure of the united states, the Presidential model is usually the single entity and all executive powers and executive powers are available to the president, the president is the country's highest official and enjoys his authority.

* Corresponding Author:

Gholamhossein Masoud

Address: Department of Law,
Najafabad Branch, Islamic Azad
University, Najafabad, Iran.

Postal Code: 85141-43131

Telephone: 31-42292929

Email: gh.masoud@iaun.ac.ir

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Feghati Gh, Masoud Gh, Raei M, Akhavan Fard M. Comparison of the semi-presidential and presidential system in Iran and the United States with emphasis on the principle of separation of powers. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.